

■ صفحه ۱۵ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۲۴۲۰ ■ یکشنبه ۲۶ مرداد۱۳۹۹ ■ ۲۶ ذی الحجه ۱۴۴۱

اهمیت توجه به گذشته نزدیک

نذکر نسبت به تاریخ و توجه به آن، مسیر آینده را روشن می‌کند. در این باب خصوصاً گذشته نزدیک حائز اهمیت خاصی است؛ به این معنی که جوامعی که نسبت به گذشته نزدیک خود دچار سوء تفاهم و کدورت نیستند و با مسائل همان گونه که واقعیت داشته، ارتباط برقرار می‌کنند، در زمان حال و آینده موفق‌تر عمل می‌کنند. این موضوع آنقدر اهمیت

دارد که اگر کسانی قصد کنند جامعه‌ای را در وضعیتی نامطلوب قرار دهند، تلاش می‌کنند که آن جامعه را درباره گذشته نزدیکش دچار سوء تفاهم و کدورت کنند، آنقدر که جامعه قصد کند از این گذشته جدا شود و به عبارتی آن را پشت سر بگذارد. در چنین جوامعی با منطقی از این دست که «گذشته‌ها گذشته است» مواجهیم. در حالی که گذشته نزدیک و توجه به آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اگر ما حیات هر جامعه‌ای را به مثابه یک درخت در نظر بگیریم، این درخت اجزایی دارد؛ حیاتی‌ترین جزء آن ریشه است. پس از آن تنه و شاخه‌ها هستند و سپس برگ و بار درخت است. این بخش اخیر یعنی بخش زنده، سبز و با طراوت که از آن جوانه‌ها، شکوفه‌ها و میوه آشکار می‌شود را می‌توان گذشته نزدیک درخت دانست. درست است که درخت بر ریشه خود ایستاده و استوار است و تنه بقای درخت را تضمین می‌کند، اما بالندگی و زاینده‌گی درخت، در بخش سبز آن روی می‌دهد. آفت‌هایی هم که به درخت می‌رسد، اغلب بخش سبز را تهدید می‌کند. همین سبب می‌شود ضمن آنکه درخت هنوز تنه و ریشه دارد و زنده است اما از سایه و میوه آن بی‌بهره می‌مانیم. اهمیتی که گذشته نزدیک در «حال» جامعه دارد به مراتب بیشتر از گذشته‌های دور است. گذشته‌های دور در «یستی» ما مؤثر است و گذشته نزدیک بر «حال» ما به سخن دیگر یکی از علل ناخوش‌احوالی، جوامع بیش از اینکه به گذشته نزدیک توجه کنند، نقطه اتکای خود را گذشته دور قرار می‌دهند. این مثل این است که باغبانی بی‌توجه به امراضی که برگ‌ها و سرشاخه‌ها را گرفتار کرده و به جای حل و فصل این مسأله، فقط متوجه ریشه‌های درخت باشد. به همین ترتیب وقتی با جامعه‌ای مواجهیم که توجهش بیشتر معطوف به گذشته دور خیلی بیشتر از گذشته نزدیک است، باید بدانیم که حال آن جامعه خوب نیست.

نکته حائز اهمیت دیگر در مبحث تاریخ، نوع رجوع به تاریخ است. مثلاً در جامعه ما اغلب افراد در دوره تحصیل و بنا به تکلیف به سراغ تاریخ می‌روند. متأسفانه تاریخی که در دوره تحصیل رسمی دبستان یا دبیرستان تعلیم داده می‌شود، تاریخ سیاسی است. در نتیجه در ذهن غالب افراد تاریخ معنایی جز پشت سر هم قرار گرفتن اسامی نامانوس و سال‌های شمسی و قمری نیست. در این معنی تاریخ معنی «گذشته‌شناسی» دارد؛ گذشته‌ای که دردی از امروز دو نومی‌کند و دانستن آن فقط اطلاعات عمومی ما را بیشتر می‌کند. چنین تاریخی وجوداً و تماس با جامعه قرار نمی‌گیرد. در صورتی که تاریخ فی‌نفسه امری جامع‌تر از رویدادهای سیاسی است. تاریخ همه آن رویدادهایی است که حیات و سرنوشت جامعه‌ای را شکل داده و همان سبیری است که آحاد جامعه‌ای را تبدیل به «کسی» کرده که هست، به سخن دیگر هر جامعه از حیات تاریخی برخوردار است؛ یعنی هم‌اکنون «تاریخی هست». پس تاریخ در این معنی به کار «خودشناسی» جامعه می‌آید و نه «گذشته‌شناسی». لیکن تنها تاریخی به خودشناسی می‌انجامد که جامعه با آن وجوداً احساس ارتباط کند و به عبارتی با آن «همداستان» شود.

«همداستانی» بهترین شیوه مطالعه تاریخ است. این را وقتی بهتر درک می‌کنیم که بدانیم دو کلمه history و story ریشه مشترکی دارند. این یعنی تاریخ قصه و داستان حیات یک جامعه است. داستانی که به جامعه نذکر می‌دهد که چگونه از بزنگاه‌هایی عبور کرده و توانسته بقای خود را حفظ کند و حتی به سعادت‌مندی برسد و همین است که آن جامعه را از «شخصیتی» منحصر بفرد برخوردار کرده است. همین تذکر است که به کار آینده جامعه می‌آید. به عبارت دیگر تاریخ باید تاریخی بودن جامعه ما را به ما تذکر دهد و این فقط در صورتی محقق می‌شود که تاریخ را همه جانبه روایت کنیم. اگر هر امری، حتی غذا و خانه خود را به عنوان امری تاریخی در نظر آوریم، بسیاری از رزوای آن بر ما آشکار می‌شود. یعنی منوجه می‌شویم که تاریخ تاچه اندازه در زندگی امروز ما مؤثر است و خود آگاهی نسبت به آن چقدر می‌تواند در کاهش خطاها و بهره بیشتر از زندگی مؤثر باشد. توجه به تاریخ گاهی با سیاست عجین می‌شود. سیاست امری محترم است، اما سیاست‌زدگی مذموم، چرا که سیاست‌زدگی مبتنی بر جهل و یکی از تبعات آن انفعال است. وقتی رسانه‌ها مبتلا به سیاست‌زدگی شوند، هم خود متغیر می‌شوند و هم عامل انفعال مخاطبان شان خواهند بود. مظهر این امر مطبوعات زرد است. زمانی که رسانه‌ای عزم می‌کند از این انفعال و سیاست‌زدگی دور شود، آگاه کردن جامعه را سرلوحه خود قرار می‌دهد. آگاهی از اینکه هر امری به صفت تاریخی بودن به چه معناست، چه گذشته تاریخی دارد و من حیث المجموع چیستی آن را توضیح می‌دهد. این اقدام مثل روشن کردن کبریت در اتاقی تاریک است. کبریت تنها چند ثانیه ممکن است فضایی را روشن کند، اما همان چند ثانیه فرد را از فضایی که در آن قرار دارد مطلع می‌کند و او با همان اطلاعاتی که در چند ثانیه پیدا کرده، می‌تواند زیست بهتر و رفتار عاقلانه‌تری داشته باشد. ممکن است بپرسید مگر یک روزنامه چقدر می‌تواند در زمینه آگاه کردن قدم بردارد. من پاسخیم این است: به اندازه روشن کردن در یک اتاق تاریک! هر چند ثانیه‌ای بیشتر طول نمی‌کشد اما این کمک را به ما می‌کند که نسبت خودمان را با آن اتاق و تمام چیزهایی که در آن است بهتر تشخیص دهیم و رفتار مناسب‌تری داشته باشیم.



سید محمدیهشتی کارشناس فرهنگی

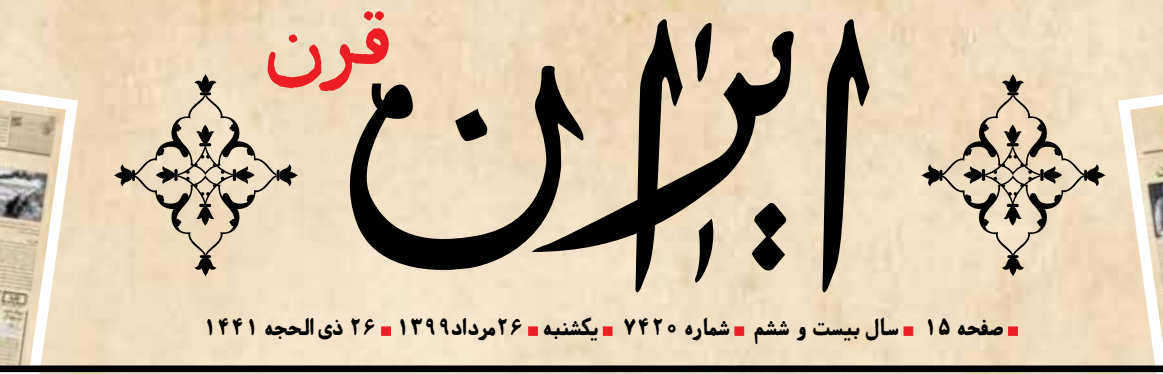
صفحه ویژه ایران قرن که روزانه به روایت تحولات تاریخی یک سال از صد سال گذشته اختصاص دارد به دهه ۳۰ رسید و از شمارگان ۵۰ عبور کرد. روزنامه ایران از اواخر مرداد به بهانه رسیدن به ماه‌های پایانی قرن پرفراز و نشیب ۱۲ اقدام به انتشار صفحه‌ای ویژه با گرافیک و صفحه‌آرایی متفاوت کرد تا فرصتی برای بازخوانی روزگار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ورزشی، علمی و... ایرانیان در طول سده گذشته، ایجاد کند. ایرانیان در گذر این قرن، جنگ و اشغال، ترور و کودتا، استبداد و استعمار و پیروزی انقلاب را تجربه کردند؛ قرنی که زندگی ایرانیان در بین دو پاندمی گذشت و از طاعون و

اهمیت مرور تاریخ اجتماعی و اقتصادی

تاریخ اگر خواننده شود شناخت عمیقی از زندگی و چالش‌ها و فراز و فرودهای آن به ما می‌دهد. زمانی که می‌خواهیم درمورد شخصی آگاهی بیشتری به دست آوریم گذشته آن را واکاوی می‌کنیم آنچه بر او گذشته الگوی رفتاری است که روند حال و آینده او را برای ما ترسیم می‌کند. تاریخ یعنی آنچه بر ما است. مسیر حرکت تاریخی هر جامعه نشان می‌دهد که این موجود زنده چگونه در رویارویی با مسائل و مشکلات عمل کرده است. این جامعه در مسیر بودن و شدن است که محتوا می‌یابد، هویت پیدا می‌کند و مسیرش به سوی آینده راه پیدا می‌کند. تاریخ را عمدتاً در چهار شکل کلی می‌توان دنبال کرد. سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. تمامی این ابعاد اگر به درستی درک، فهمیده و دریافت شود ما را به شناخت عمیق‌تر و همه جانبه از جامعه‌مان رهنمود



سپیده تابرینی فارسانی اسناد تاریخ



صفحه ایران قرن از شمارگان ۵۰ عبور کرد

قالب قرن



سل شروع شد و با شیوع ویروس کرونا رو به پایان می‌رود.

هدف اصلی ما در این صفحه خوانش ساده و عمومی‌سازی روایت‌های تاریخی برای مخاطبان روزنامه از طریق انتشار گزارش‌ها، مرور اسناد، بریده جراید و اعلانات تاریخی است. اگر چه در آینده نزدیک به قلم کارشناسان حوزه‌های مختلف تک‌نگاری‌هایی درباره مهمترین تحولات، چهره‌های قرن و تصاویر خاطره برانگیز تاریخی هم خواهیم داشت. در این صفحه تعدادی از کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و تاریخی درباره اهمیت عمومی‌سازی و خوانش مجدد تاریخ یک صد سال گذشته ایران نوشته‌اند.



یادخانه تاریخ در صفحات روزنامه

تاریخ همیشه با تجربه و روایت در هم آمیخته است و با روایت به یک تجربه ملموس تبدیل می‌شود. حتی می‌توان گفت رویدادها با روایت‌ها به یک امر تاریخی تبدیل می‌شوند و اگر روایت را از آنها بگیریم به یک پدیده معلق بی‌تشخص تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر روایت‌ها وابسته بواسطه‌ها و ژانرهای بیانی هستند، از کتاب همچون قالب قدیمی آن یعنی نسخه خطی گرفته تا نمونه‌های آن یعنی کتاب‌های چاپی با قالب‌های نو. هر ژانر ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارد. روزنامه‌ها و نشریات حتی از محدودیت‌های انتشار کتاب هم فراتر رفته و دسترسی عام‌تری را فراهم کرده و از سوی دیگر دسترسی روزآمدتری را شکل می‌دهند که نسبت نزدیک‌تری را میان



رضا دبیری نژاد رئیس موزه ملی ملک

محتوای انتشار و زمان دریافت آن برای مخاطبین فراهم می‌کنند. این‌رو محتوایی معاصرتر و قانونی‌تر را فراهم می‌سازند. این گونه است که روایت تاریخی در فضای روزنامه‌ای آنها را روزآمد و معاصر کرده و کثرت می‌بخشد، کثرتی که دسترسی عام‌تری را برای آنها فراهم می‌سازد. در نظر داشته باشیم که روایت‌های تاریخی همیشه امری معاصر هستند و همیشه تلاش می‌شود تا آنها را نگاهی معاصر بازخوانی و بازگویی شوند و همین معاصر بودن زمینه

ارتباط با این روایت‌ها را فراهم می‌سازد. در واقع روایت‌های تاریخی همیشه نوعی بازخوانی از شرایط حال جامعه و افراد هستند که نیازها، آرزوها یا دردها و خاطرات آنها را بازتاب می‌دهند. برای همین روایت‌های تاریخی همیشه بر یک مرز میان دیروز و امروز قرار دارند که این دورا به هم پیوند می‌دهند و آنها را در هم می‌پیچند تا برای امروز روایتی بسازند. حال روایت‌های تاریخی در ژانر روزنامه‌ای آنها را کثیر و اجتماعی‌تر می‌کنند تا فضای صرف متخصصین فراتر رفته و خاطره‌ای مشترک را برای نسل‌ها بسازند یا خاطره‌ای مشترک را از زیر غبارهای انباشتگی به در آورند و ملموس کنند. یادآوری خود تلاشی برای ملموس ساختن است. اینگونه صفحه روزنامه به یادخانه تبدیل می‌شود. یادخانه خاطره‌های جمعی، یادخانه‌ای تاریخ معاصرکی که چنان سرعتی می‌رود که امکان فراموشی آن زیاد است، یادخانه‌که امروز در حال گذر را به امری تاریخی تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد که امروز هم به همین سرعت تاریخی می‌شود.

صفحه ایران قرن تاکنون همچون یادخانه‌ای بوده است که به مثابه یک موزه مکتوب از تاریخ معاصر تلاش کرده تا دست به انتخاب و نمایش دوباره بزند و هر صفحه نمایشگاهی از خاطره‌های نزدیک یک ملت شود و حالا می‌توان به آن به مثابه یک کلکسیون از یادها نگاه کرد. این صفحه حتی سبب شده است تا مطالب از روزمرگی به در آیند و دیوار قطور مطالب تخصصی با سطح عمومی بشکند و هم زمینه آموزش همگانی را بسازد و هم بهانه‌هایی را برای یادآوری هر فرهنگ از تاریخ فراهم سازد. یادمان باشد که تاریخ همیشه به روایت‌هایی نو در قالب‌هایی نو با ژانرهای تازه نیاز دارد تا روزآمد شود و از دست نرود و امروز هم ژانرها مدام در حال دگرگونی و جدل هستند و پایداری یک روایت رمز اثربخشی آن است.

منبع و نویسنده، دو رکن مهم تاریخ‌نویسی

سال‌ها پیش وقتی تاریخ‌نویسی را در مطبوعات آغاز کردم، با این مسأله مواجه شدم که: «روزنامه را به تاریخ چه کار، روزنامه محل انتشار اخبار است» اما ما کارهایی در روزنامه‌های اطلاعات، ایران و همشهری انجام دادیم که هنوز قابل مطالعه و ارجاع هستند. در زمان انتشار هم به ما ثابت شد که مردم به تاریخ گذشته ایران علاقه‌مند هستند. در



حسین میرزایی روزنامه‌نگار

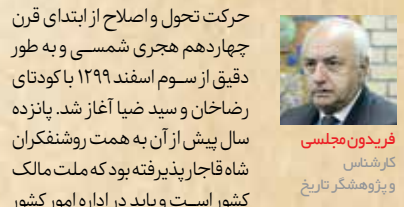
یکی از این تجربه‌ها، مدتی بعد از انتشار صفحات «۲۸ هزار روز تاریخ ایران» در روزنامه اطلاعات، تیراژ روزنامه از ۳۰ هزار به ۱۷۰ هزار رسید. صفحه «ویدادهای خاورمیانه» روزنامه ایران هم بعد از صفحه حوادث پر مخاطب‌ترین صفحه روزنامه بود. البته توضیح این نکته را لازم می‌دانم که انتشار این صفحات تاریخی به همراه کمپین تبلیغاتی انجام شد. اگر چنین تبلیغاتی نبود آنچنان موفقیتی به‌دست نمی‌آمد. لازم به ذکر است که برای این کمپین ۳۰ تیریز تبلیغاتی ساختم که تا آن زمان برای یک صفحه روزنامه، بی‌سابقه بود. دو شرط مهم و اساسی که

باید در مورد تاریخ‌نویسی به آن توجه کرد، «صنعت» و «توپیسند» است. استفاده از منابع دقیق و موثق در یک پژوهش تاریخی امر بسیار مهمی است. در تاریخ‌نویسی مطبوعات هم بهتر است تاحد امکان به منابع موثق و دست اول، مراجعه شود. در تجربه شخصی که داشتم، زمانی که شروع به تهیه مجموعه «۲۸ هزار روز تاریخ ایران» کردم، از اسناد خانوادگی خود شروع کردم. در مسأله مشروطیت گروهی از اعضای خانواده من موافق مشروطه بودند و گروهی مخالف و من اسنادی از آنها در دست داشتم که از نظر تاریخی حائز اهمیت بود و برای نخستین بار منتشر می‌شد. علاوه بر این با خانواده‌هایی در ارتباط بودم که افرادی مطلع به شمار می‌رفتند یا پدرانشان عامل تحولات بزرگ در ایران بودند. به‌طور مثال آن نوه و خواهرزاده و خانواده سپهسالار اعظم که از فاتحان تهران در مشروطیت بود، در تماس بودم. تاریخ‌نویس باید تاریخ‌دان باشد و ادوار مختلف تاریخ ایران را خوانده و در ذهن خود ذخیره کرده باشد. در گروهی که صفحه «۲۸ هزار روز تاریخ ایران» را تهیه می‌کردیم، اغلب نویسندگان کسانی بودند که شخصاً در جریان حوادث بودند یا از رزویان موثق در مورد آن حوادث شنیده بودند. نوشته ما آمیزه‌ای بود از آنچه دیده، خوانده و به دست آورده بودیم. مسأله قابل توجه و مهم دیگر در تاریخ‌نویسی مطبوعات استفاده از عکس‌های جالب و انحصاری است. تاریخ‌نویس مطبوعات باید یک منبع کامل عکس در اختیار داشته باشد. من و همکارانم در مرکز پژوهش‌های تاریخی روزنامه‌ها اطلاعات، یک مجموعه عکس مرتبط را اختیار داشتیم. و به مرور خانواده‌های قدیمی صدها عکس وسند از آزشیوهای شخصی و خانوادگی را اختیارمان گذاشتند که همه در روزنامه اطلاعات منتشر شد. اگر روزنامه نویس با دقت کار کند و مسئولانه بنویسد، نوشته او می‌تواند به‌صورت مرجع درآید برای مثال مرحوم فریدون آدمیت در یکی از کتاب‌های خود در مورد مشروطیت به یکی از اسنادی که در «۲۸ هزار روز تاریخ ایران» منتشر شده بود، ارجاع داد و این امر بسیار نادر بود و باعث تعجب که چگونه ممکن است نویسنده بزرگی به مندرجات یک روزنامه ارجاع دهد. اما سندی که منتشر کردیم آنقدر مهم بود و تازگی داشت که مرحوم آدمیت ناچار بود از آن به‌عنوان مرجع استفاده کند.

امرانه آغاز شد. امرانگی یعنی تمرکز قدرت مادام‌العمر که خود فسادپرور است و زیانبخش. جنگ جهانی دوم به آن مرحله از تاریخ پایان داد و برآی دیگر توهم دموکراسی در جامعه ناپخته و بی‌سواد هرج و مرجی آفرید که به نوعی امرانگی دیگر و باز هم به امرانگی دیگر منجر شد. در این میان متصفانه باید پذیرفت ساختاری که از آغاز قرن بی گرفته شد در طی قرن، با همه مشکلات و مصائب، با پوست‌اندازی‌های بزرگ منتهی به مصیبت کرونا، به کشوری رنگی در مراکز استان‌ها و فرمانداری‌ها و ارتش ملی با امکانات دفاعی و مقدمه سواد، عمومی شده و دنیای مجازی بر این سواد حتی نزد عوام افزوده است. کشوری که بیش از ۹۰ درصد جمعیت آن بیسواد و ۹۰ درصد ساکن دهات فقیر و محروم بود اکنون بیش از ۹۰ درصد باسواد و در حدود ۸۰ درصد شهرنشین دارد، با چهار و نیم میلیون دانشجو خصوصاً که ۶۰ درصد آنان از دختران این کشورند، زیربنای قابل توجه صنعتی و راه‌ها و راه‌آهن در کشوری دارای منابع گوناگون آماده برای مراحل آینده توسعه اجتماعی و اقتصادی و توسعه کشاورزی مدرن گلخانه‌ای و تولید انرژی‌های پاک با امید به آزادی و دموکراسی که حاصل این قرن پربلاطم و مصیبت با بوده است.

قدم‌های بعدی در راه نیل به دموکراسی است. باید به تنظیم مجموعه قوانین حقوقی و جزایی و اداری و ثبت و گمرک و مالیات و غیره می‌پرداختند که بتوانند کاپیتولاسیون یا بساط قضاوت کنسولی را درباره اتباع بیگانه که موجب برقراری آن بی‌قانونی کشور شده بود، برچینند. باید با تقویت سخت افزاری نمادهای بوروکراسی حرمت حاکمیت دولت را در دل مردم برپوراندند. نیاز به ساختن کاخ عظیم دادگستری و وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها و استانداری‌ها و مراکز استان‌ها و فرمانداری‌ها و ارتش ملی با امکانات دفاعی و برقراری نظم و اعمال حاکمیت و ابنیه بانک‌ها و تأسیسات دولتی دیگر و راه و راه آهن و بندر و همچنین خانه‌های سازمانی متناسب با مقام بود، باید نظام آموزشی از دبستان و دبیرستان و دانشسراها و دانشگاه بزرگ مأموریت گسترش و توسعه فرهنگی کشور را برعهده می‌گرفتند تا ملتی که از پیله‌های قرون خارج می‌شد، بتواند به سازندگی و بهداشت و صنعت خود سامان دهد و غذا و پوشاک کاشانه مناسب داشته باشد و باید کارخانه‌های برآورده نیازهای اولیه مانند جای و قند و شکر و نساجی و مصالح ساختمانی و سیمان و آهن ساخته می‌شد. قرن ۱۲ هجری شمسی اینچنین با توسعه

منافع آن خویشاوندان را به مخاطره می‌انذخت. اشراف در سایه رضخان توانستند در طی سه ماه سید ضیا را از سر راه بردارند و خودشان در کنار رضخان که همان دولت کودتا پیوستند. اما راه نخست‌وزیری رضخان را گشودند. در سفر احمد شاه به اروپا اشراف به او گفتند که رضا خان درصدد برگزاری اوست تا در سایه شاه از شر رضخان آسوده شوند. او که وفاداری نیروهای مسلح را جلب کرده بود کنار رفت، اما اشراف که نیروهای مسلح را در اختیار نداشتند کاری از دست‌شان برنیامد و ناچار در باغچه بومهن به دیدارش رفتند و این بار او خواهان ریاست جمهوری و سپس سلطنت شد. رضا خان که اعتمادی به اشراف قاجاری نداشت، تیم کارشناسان تحصیلکرده خود را به کار گمارد. آنان بر این اعتقاد بودند که شکل و ساختار مشروطیت مفید و ضامن بقای مالکیت کشور در دست رضا خان که اعتمادی به اشراف قاجاری نداشت، تیم کارشناسان تحصیلکرده خود را به کار گمارد. آنان بر این اعتقاد بودند که شکل و ساختار مشروطیت مفید و ضامن بقای مالکیت کشور در دست مردم و قانونگذاری و نظارت بر بودجه و هزینه است، اما محتوای آن یعنی گزینش نمایندگان را در آن جامعه بیسواد و عقب‌مانده در اختیار خود گرفتند، معتقد بودند که قانونمداری قدم نخست در راه طولانی دموکراسی است و بدون توسعه فرهنگی و اجتماعی نمی‌توان بدون هرج و مرج به آزادی و جامعه مدنی رسید که



فریدون مجلسی کارشناس

و پژوهشگر تاریخ

شریک باشد. مشروطه آرمانی یک سال هم نپایید. مجمدعلی شاه استخاره‌ای کرد و مجلس را به‌توپ بست. او را بیرون کردند، اما کسانی که شاه را بیرون کرده بودند دیگر به سادگی زیر بار کسی نمی‌رفتند. هر خانی به حکم آزادی و مشروطه خود را پادشاهی خودکامه می‌انگاشت. هرج و مرج و خطر از هم پاشیدگی کشور را فرآورفته بود که سید ضیا به همراه رضخان میرنپنج، سرریخت فرمانده نیروهای قزاق، با کودتایی زمام امور ازهم پاشیده را در دست گرفتند. اشراف سنتی که حکومت را میراثی انحصار را شان خود می‌پنداشتند به بهانه اینکه کودتا امری غیرقانونی است، زیر بار نمی‌رفتند. از دید آنان کودتا موجب تضعیف شاه قاجار بود و